شویم. نه تنها آنها بلکه خودمان هم فکر نمی‌کردیم یک روز بتوانیم از رودخانه اروند عبور کنیم! به همین دلیل منطقه‌ای را انتخاب کردند تا عملیات والفجر۸ در آن انجام شود. خیلی از لحاظ حفاظتی هم رعایت شد که نقطه دست بالای ما هم همین مساله بود. به هر جهت ایران باید یک نقطه استراتژیک از دشمن را تصرف می‌کرد تا او را مجبور کند سر تعظیم پایین بیاورد و جنگ را با همان شرایطی که ایران بارها تکرار کرده بود، تمام کند.

سخت‌ترین منطقه همین والفجر۸ بود! چرا؟ هر چه ما از آبادان به سمت رأس‌البیشه که انتهای اروند است و به خلیج‌فارس منتهی می‌شود، می‌رفتیم عرض اروند بیشتر می‌شد. اروند هم یک رودخانه وحشی بود! در ۲۴ ساعت دو مرتبه جزر و مد می‌شد! اختلاف بین جزر و مد هم شش متر بود. وقتی‌که آب جزر می‌شد یعنی آب می‌رفت به سمت دریا به گونه‌ای بود که حتی کشتی‌های بزرگ هم اگر مهار نمی‌شدند را با خودش به داخل دریا می‌کشید، حالا چه رسد به این‌که یک تعداد بچه بسیجی چهل، پنجاه کیلویی می‌خواستند از آن عبور کنند. البته خط‌شکنی هم خودش یک عملیات بود! عبور از موانع یک عملیات بود! عبور از ساحل دشمن یک عملیات بود! حتی در ساحل خودمان که می‌خواستیم از آخرین نقطه خشکی برویم تا نزدیک رودخانه اروند یک عملیات بود! عبور از بین نیزارها بدون این‌که دشمن متوجه شود واقعا کار دشواری بود.

*** با توجه به موانعی که در منطقه عملیاتی والفجر ۸ وجود داشت، به حاج قاسم در جلسات اعتراضی داشتید؟**

یکی از ویژگی‌های حاج قاسم سلیمانی این بود که هر عملیاتی را در هر منطقه‌ای اول خودش می‌رفت. خودش همه اطلاعات را به دست می‌آورد و در جلسات قرارگاه می‌نشست با فرماندهان بحث می‌کرد و نظرش را می‌داد و نظر مخالفش را می‌شنید. برهان و دلیل می‌آورد که مثلا در فلان منطقه نمی‌شود یا می‌شود عملیات کرد. اما اگر از طرف فرماندهی به او ابلاغ می‌کردند بر اساس این‌که باید این کار انجام بشود، می‌رفت دنبال کار و به نحو احسن آن را انجام می‌داد. حاج‌قاسم در عملیات والفجر۸ همین‌طور بود. بچه‌های تخریب‌مان را به دستور حاج‌قاسم مستقر کردیم. خود حاجی از همه جلوتر بود. حتی وقتی بچه‌ها می‌خواستند شب‌ها برای شناسایی بروند، حاج‌قاسم در رودخانه اروند صد متر در آب حضور پیدا کرد و به سمت دشمن رفت تا سرعت، عمق، دمای آب و وضعیت آب را بررسی کند. یا مثلا چولان (علف‌های بلند) که کنار اروند بود؛ وقتی نیروها می‌خواستند از میان آنها عبور کنند، سر و صدا بلند می‌شد. حاج قاسم خود وارد منطقه شد، عبور از میان این چولان را تست و برای همه اینها تدبیر کرد. هر شب یک عده از بچه‌ها می‌رفتند این چولان‌ها را به اندازه یک متر، مثل یک راهرو می‌بریدند و می‌ریختند کف ساحل تا هم مسیر عبور نیروها گِلی نشود و هم بچه‌ها راحت بتوانند عبور کنند و همین که با عبور از این مسیر دیگر صدایی به گوش دشمن نمی‌رسید.

*** آموزش غواصان برای عبور از اروند چگونه بود؟**

اولین مرتبه که در عملیات از غواص استفاده شد، عملیات خیبر و بدر بود، آن هم نه از رودخانه بلکه آب ساکن. در صورتی که در الفجر۸ برای عبور از اروند غواصان باید با آب می‌جنگیدند. عمق آب ۱۵ متر! سرعت آب اصلا قابل تصور نیست و بعضا کشتی را با خود می‌برد. شما باید طوری آموزش ببینید تا بتوانید از اروند عبور کنید. برای این کار باید آب را اندازه‌گیری می‌کردیم. بچه‌های اطلاعات یک گروه‌شان به عنوان میله‌بان، یک میل را در کنار اروند، آنجا که امکانش بود و دشمن متوجه نشود، درجه‌بندی کرده بودند و شبانه‌روز به صورت شیفت‌بندی پای این میله‌بان می‌ماندند و هر نیم ساعت، سرعت آب را

۲

طایفه

طایفه سلیمانی از عشایر خمسه فارس بودند و بین مناطق گرمسیر و سردسیر جنوب و غرب استان کرمان کوچ می‌نمودند

۳

قنات ملک

تحصیلات ابتدایی را تا کلاس ششم در روستای قنات ملک به پایان برد و همزمان با درس خواندن در کار کشاورزی و دامداری به پدرش یاری می‌رساند

گواهی میشود:
آقای حسن فرزند ... متولد ۱۳۳۵ ... شناسنامه شماره ۳۰۲ صادره از چاه ... در دبستان سپاه دانش ... شرکت نمود، و کتابهای اول و دوم سپاه دانش را بخوبی آموخته است.
سپاهی دانش ... راهنمای تعلیماتی

۴

مهاجرت

در سیزده سالگی به دلیل مشکلات اقتصادی راهی کرمان شد و در یک هتل کوچک مشغول به کار می‌شود